

متن پرسش

با عرض سلام خدمت شما. همان طور که می دانیم حضرت امام حسن مجتبی (ع) و امام جواد الائمه (ع) با توطئه همسرانشان به شهادت رسیدند. لطفاً بفرمایید که شبهه ای که می گوید این امامان در انتخاب همسر نعوذ بالله اشتباه داشته اند و معصوم نیستند را چگونه پاسخ می گوییم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام موضوع علم امام از موضوعات مهم کلامی است که در آنجا جایگاه علم امام روشن می شود و این که آیا از آن علم باید در این امور هم استفاده کرد و یا علم به سلسله علل است تا روند عالم را بشناسند و در هدایت انسان ها استفاده کنند. در این رابطه نوشته ای را که قبلاً در رابطه با این که چرا علی «علیه السلام» با این که می دانستند شب نوزدهم ماه رمضان ضربت می خوردند به مسجد رفتند را خدمتتان عرض می کنم، ان شاء الله جوابتان را می توانید در آن در آورید. سؤال: اگر پیامبر و امامان (علیهم السلام) علم غیب داشتند، چرا رفتارشان آنچنان عادی است که گویا هیچ اطلاعی از غیب ندارند؟ آیا اگر واقعاً علم غیب داشتند نباید خودشان را در معرض هلاکت قرار نمی دادند. جواب: اولاً: قرار نیست امامان از علم غیبی که خداوند در اختیار آنها گذارده تا بشریت را هدایت کنند، در زندگی عادی و به نفع شخصی خود استفاده کنند و نظام زندگی را از مجاری عادی خارج کنند. به همین جهت با اینکه منافقین را می شناختند با آنها با حفظ ظاهر برخورد می کردند و یا در قضاوت هرگز از علم غیب استفاده نمی کردند. ثانیاً: علم غیب، مسیر حوادث را تغییر نمی دهد بلکه علم به مسیر حوادث است از طریقی که واقع می شود. یعنی امام علم دارد که فلان حادثه با چه عللی حادث می شود، در واقع علم غیب، علم به سلسله زنجیره ای علل است که اراده خود فرد یکی از اجزاء این سلسله است و علم به سلسله و زنجیره علل، سلسله و زنجیره را تغییر نمی دهد، یعنی امام پی می برد که فلان حادثه به طور حتم در فلان زمان واقع می شود. یعنی علم به غیب، علم است به آنچه پیش خواهد آمد و این علم، مسیر حوادث را تغییر نمی دهد و تکلیفی هم نمی آورد تا امام تلاش برای تغییر واقعه کند، زیرا که علم به نظام تکوینی و غیبی عالم است، می بیند که این فرد به خاطر اعمالش طبق نظام تکوین سرنوشتش چنین می شود. ثالثاً: علم امام، علم است به آنچه در لوح محفوظ هست و حتمی الوقوع است و لذا آنچه حتمی الوقوع است تکلیف به آن تعلق نمی گیرد. و امری را انسان در موردش تلاش می کند که امکان شدن و نشدن دارد، پس علم امام ربطی به تکالیف خاصه او ندارد. رابعاً: چون امام به مقام رضا به قضای الهی رسیده، اصلاً دوست دارد آنچه را خدا

اراده کرده است واقع شود . لذا چون در قضای الهی رانده شده که مثلاً علی(علیه السلام) به دست ابن ملجم شهید شود ، امام اصلاً جز این مطلب را طلب نمی کند ، و این غیر از آن است که انسان در شرایط عادی باید از مهلکه خود را رها کند ، چون این مهلکه ها را در نظام عالم تکلیف، برای او ایجاد می کنند و او هم باید با اراده و اختیار خود در مقابل آنها تلاش کند. برعکس، آن حقایق غیبی را برای امام از طریق علم غیب می نمایند و خبر از نظام حتمی و قضای رانده شده به او می دهند تا در هدایت مردم به حقایق آگاهی داشته باشد و هدایتش همه جانبه باشد، نه اینکه این علوم غیبی برای او تکلیف و موضع گیری شخصی در برداشته باشد